

تحلیل سطوح پایداری توسعه روستایی در استان کرمانشاه

مریم بیرانوندزاده^۱، نوبخت سبحانی^۲، مصطفی فلاحی خوشجی^۳، سید دانا علی زاده^۴

^۱ دانشجوی دکترا جغرافیا و برنامه ریزی شهری و پژوهشگر جهاد دانشگاهی لرستان

^۲ دانشجوی دکترا جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

^۳ دانشجوی دکترا تغییرات آب و هوایی و پژوهشگر جهاد دانشگاهی لرستان

^۴ دانشجوی دکترا جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه خوارزمی تهران

نویسنده مسئول: beyranvand28@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۹ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۹

چکیده

در برنامه‌ریزی منطقه‌ای، بررسی و شناخت وضعیت سطوح مختلف جغرافیایی، قابلیت و تنگناهای آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امروزه آگاهی از نقاط قوت و ضعف نواحی جهت ارائه طرح‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها ضروری است. در این راستا استفاده از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کالبدی، بهداشتی و غیره می‌تواند معیاری مناسب برای تعیین جایگاه نواحی از نظر توسعه‌یافتگی باشد. در این راستا پژوهش حاضر بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از تکنیک‌های موریس و ویکور به ارزیابی و تحلیل سطوح پایداری در سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر شاخص‌های توسعه‌یافتگی در ابعاد اجتماعی-اقتصادی، کالبدی-نهادی پرداخته است. منطقه مورد مطالعه، نقاط روستایی شهرستان‌های استان کرمانشاه می‌باشد. نتایج حاصل از مدل ویکور نشان می‌دهد که بر اساس شاخص‌های مختلف، رتبه و سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه متفاوت بوده، به طوری که شهرستان اسلام‌آباد در رتبه نخست و سایر شهرستان‌ها بیشتر در وضعیت نیمه برخوردار و محروم هستند که ۹۲٫۹ درصد را شامل می‌شود. از سوی دیگر بر اساس مدل موریس شهرستان‌های اسلام‌آباد، کرمانشاه، صحنه و کنگاور در رتبه نخست و سایر شهرستان‌ها در رده‌های بعدی واقع شده‌اند و به طور کلی در هر دو مدل شهرستان‌ها در وضعیت نامناسبی و بیشتر آن‌ها در وضعیت محروم به سر می‌برند که این مسئله بیانگر نوعی عدم تجانس و ناهماهنگی در سطح توسعه‌یافتگی این شهرستان‌ها می‌باشد.

کلیدواژه: توسعه، توسعه پایدار، سکونتگاه‌های روستایی، کرمانشاه

مقدمه

توسعه ناحیه‌ای و منطقه‌ای و در نهایت توسعه ملی تلقی می‌شود (ابراهیم‌زاده و رئیس‌پور، ۱۳۹۰). با این وجود، برنامه‌ریزی برای توسعه نواحی روستایی، شناخت وضعیت موجود روستاها و بررسی تنگناها، امکانات و خدمات موجود در آنها اولین گام اساسی است (صدرموسوی و طالب زاده، ۱۳۹۲). در این راستا، نگرش به وضعیت توزیع امکانات و تسهیلات خدماتی و نحوه برخورداری هر یک از روستاها از این امکانات از مسائل مهمی است که علاوه بر تاثیرگذاری بر روند توسعه روستاها، تداوم حیات آنها را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد (صفری و بیات، ۱۳۹۲) بانک جهانی؛ توسعه روستایی را چنین تعریف می‌کند: توسعه روستایی استراتژی است که برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه مشخصی از مردم که همان روستائیان فقیر هستند، طراحی می‌شود. این استراتژی در پی گسترش منافع توسعه در بین فقیرترین افرادی است که در نواحی روستایی ساکن می‌باشند.

توسعه روستایی اصولاً مفهومی جدا از توسعه اقتصادی - اجتماعی در سطح کلان یک کشور نیست، بلکه جزئی از توسعه کلان ملی تلقی می‌گردد. اما تأکید اساسی آن عمدتاً معطوف به حل مسائل مرتبط با جامعه روستایی و تلاش در جهت محرومیت‌زدایی و کاهش فقر در این مناطق می‌باشد. توسعه روستایی به‌عنوان یک مفهوم و مجموعه‌ای از تجربیات و روش‌های گوناگون سازمان‌دهی تولید، ایجاد رفاه و مبادله برای فعالیت‌های روستایی، سابقه طولانی داشته و تنها منحصر به‌نظام یا کشور خاصی نیست. بررسی علمی روستاها اگرچه به عنوان زمینه‌ای تحقیقاتی از دیرباز مورد توجه بوده، تنها در دهه‌های اخیر مورد مذاقه خاص قرار گرفته است و در ارتباط با آن بحث‌ها و نظریه‌های مختلفی از سوی صاحب‌نظران مطرح گردیده است، زیرا رشد و توسعه بسیاری از کشورها در گرو ساماندهی عرصه‌های روستایی است (علیانی و دیگران، ۱۳۸۷). این ساماندهی و توسعه روستاها به عنوان زیر بنای

خواهند داشت (بیات، ۱۳۸۸). بنابراین هدف از این مقاله تحلیل سطوح پایداری توسعه روستایی و رتبه بندی هر یک از آنها از لحاظ برخورداری و محرومیت از شاخص‌های زیستی، اجتماعی و اقتصادی در استان کرمانشاه پرداخته شده است و چگونگی توزیع این شاخصها و نحوه برنامه‌ریزی برای توسعه بهتر آنها می‌تواند زمینه‌ی تحقق توسعه پایدار باشد.

مبانی نظری

- توسعه و توسعه روستایی

توسعه در مفهوم کلی خود به معنای ارتقای سطح مادی و معنوی جامعه انسانی و ایجاد شرایط مناسب یک زندگی سالم برای تمامی افراد جامعه است. با توجه به این مفهوم توسعه در برگزیده‌ی جنبه‌های اقتصادی-اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است که تغییرات کمی و کیفی را شامل می‌شود و در عین حال از نظر داخلی و خارجی از مفاهیم نسبی به شمار می‌رود (رزاقی، ۱۳۶۹). مقصود مطلوب توسعه، بهبود کیفیت زندگی همه است؛ بنابراین کوشش برای دستیابی به توسعه باید به شکلی باشد که منافع اکثریت مردم را در بر گیرد، در صورتی که بخش محدودی از جامعه از فرایند توسعه که خود یک فرایند تغییر مطلوب است بهره‌مند شوند نمی‌توان آن را توسعه نامید. خلاصه اینکه در تعریف توسعه با در نظر گرفتن برداشتهای مختلف، مفاهیم اصلی آن را می‌توان مطابق شکل (۱) نشان داد. در این راستا روستا و محیط روستایی یکی از مهمترین و اصلی ترین دغدغه‌های کشورهای مختلف را شکل داده و از سوی دیگر یکی از اساسی ترین محورهای توسعه را شامل می‌شود. توسعه روستایی بخش مهمی از فرایند توسعه ملی به ویژه در کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص می‌دهد. اگر قرار است توسعه انجام گیرد و مستمر باشد باید به طور اعم از مناطق روستایی و به طور اخص از بخش کشاورزی آغاز شود. چرا که مسائل فقر گسترده، نابرابری در حال رشد و بیکاری فزاینده تماماً ریشه در رکود و سر قهقراپی زندگی اقتصادی مناطق روستایی دارد (تودارو، ۱۳۶۸). می‌توان گفت اصولاً توسعه روستایی مفهومی جدا از توسعه اقتصادی و اجتماعی در سطح کلان یک کشور نیست، بلکه جزئی از توسعه کلان ملی به حساب می‌آید؛ ولی تأکید اساسی آن بیشتر معطوف به حل مسائل مرتبط با جامعه روستایی و تلاش در جهت محرومیت زدایی و کاهش فقر در این مناطق است. توسعه روستایی به عنوان یک مفهوم و مجموعه‌ای از تجربه‌ها و روشهای گوناگون سازماندهی تولید، ایجاد رفاه و مبادله در فعالیتهای روستایی، سابقه طولانی داشته و تنها منحصر به نظام یا کشور خاصی نیست (دیوید و چودری، ۱۳۷۰) از توسعه روستایی تعاریف متعددی ارائه شده و دیدگاههای متفاوتی درباره اهمیت توسعه روستایی و شیوه‌های دستیابی به آن وجود دارد. بانک جهانی توسعه روستایی را این گونه تعریف می‌کند: توسعه روستایی راهبردی است که به منظور بهبود

از نظر بانک جهانی توسعه روستایی به نوین‌سازی جامعه روستایی می‌پردازد و آن را از انزوای سنتی خارج و به جامعه‌ای تغییر یافته تبدیل و با اقتصاد ملی عجین می‌کند. بنابراین هدف‌های توسعه روستایی، در محدوده یک بخش خلاصه نمی‌شود، بلکه مواردی چون بهبود بهره‌وری، افزایش اشتغال، تأمین حداقل قابل قبول غذا، مسکن، آموزش، بهداشت و مشارکت روستائیان در فرایند تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و مدیریت روستایی را نیز در برمی‌گیرد. با چنین نگرشی، توسعه روستایی باید به منزله یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر و نیروی محرکه کل فرایند توسعه به شمار آید. از این رو توسعه روستایی نباید نوعی فعالیت بخشی تلقی گردد، بلکه باید آن را نوعی هسته چندبخشی یک برآیند توسعه گسترده قلمداد کرد (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۶). توسعه متعادل و هماهنگ مناطق، یک پیش نیاز بسیار مهم برای حصول پایداری اقتصادی و پیشرفت یکپارچه کشورها به شمار می‌رود (شیخ‌بگلو و دیگران، ۱۳۹۱). این امر یکی از دغدغه‌های مهم به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، رسیدن به سطح قابل قبولی از توسعه در ابعاد مختلف برای تمام مناطق می‌باشد (رضوانی و احمدی، ۱۳۸۸). در حال حاضر یکی از تجربیات مشترک کشورهای در حال توسعه، اختلاف فاحش توسعه یافتن مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی است. به طوری که نه تنها در مناطق روستایی فاصله‌ای چشمگیر در زمینه سرمایه‌گذاری و تولید به چشم می‌خورد، بلکه از حیث مسائل اجتماعی و فرهنگی نظیر آموزش، سلامتی و امنیت اجتماعی که همه جزء پیش شرطهای توسعه انسانی هستند، نیز دارای عقب‌ماندگی‌های فاحشی نسبت به مناطق شهری هستند. این وضعیت، مهاجرت‌های بی‌رویه روستا - شهری را در این کشورها به دنبال داشته است که خود مقدمه‌ای برای مشکلات فراگیر اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه در مراکز شهری بوده است (کرمانی و دیگران، ۱۳۸۸). به هر حال، جهت تدوین یک زیربنای علمی و منطقی برای سیاست‌گذاری توسعه، لازم است ارزیابی جامعه‌ی پیرامون وضعیت موجود توسعه مناطق از نظر شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی صورت پذیرد (Yu et al, 2010). در ایران نیز تلاش‌های گسترده‌ای در جهت احیا و توسعه نقش و جایگاه روستاها به کار گرفته شده است اما متأسفانه این روند هنوز هم به ضرر جامعه روستایی، در جهت گسترش شهرها و تمرکزگرایی بیشتر ادامه دارد. این امر بیانگر آن است که توجه به روستاها، به عنوان یک کانون زیستی فعال و دریافت هویت واقعی آنها و دستیابی به جایگاه مناسب در توسعه ملی، نیازمند یک بازنگری و درک اصولی تر از توسعه روستایی است (چرخ تابیان و دیگران، ۱۳۹۳). در این راستا، برای کاهش مشکلات در این کشورها بخصوص کشور ایران، بهبود محیط روستایی می‌باشد که با برقراری تعادل مناسب بین امکانات اقتصادی شهر و روستا و نیز ایجاد شرایط مناسب برای مشارکت وسیع مردم در تلاشی که برای توسعه ملی صورت می‌گیرد و متمتع شدن از مواهب آن، این کشورها گام بزرگی در جهت تحقق معنای حقیقی توسعه بر

زندگی اجتماعی و اقتصادی گروه خاصی از مردم یعنی روستاییان فقیر طراحی شده است. این استراتژی در پی گسترش دادن منافع توسعه در بین فقیرترین اقشاری است که در نواحی روستایی به دنبال امرار معاش هستند (World Bank, 1975). از دیدگاه رابرت چمبرز «توسعه روستایی راهبردی است برای توانمند ساختن گروه خاصی از مردم شامل زنان و مردان فقیر» (Singh, 1986). توسعه روستایی باید این گروه را وادار نماید آنچه را مورد نیاز خود و فرزندانشان است فراهم کنند و کمک کند به فقیرترین گروه‌های روستایی که بتوانند از منافع توسعه روستایی حداکثر استفاده را ببرند. این گروه شامل کشاورزان کوچک مقیاس، اجاره داران و روستاییان بدون زمین است (دیاس، ۱۹۸۳). آریاراتینا (Ariyaratina) نیز در تعریف توسعه روستایی می‌نویسد: توسعه روستایی دیگر نمی‌تواند یک حرکت ناقص نسبی و مبهم باشد بلکه باید تلاشی کلی و همه جانبه و فراگیر، مداوم و برانگیزنده فعالیت ملی، منطبق با حجم و عمق خود مشکل باشد. توسعه روستایی را باید به منزله یکی از اجزاء جدایی ناپذیر و نیز نیروی محرکه کل فرآیند توسعه به شمار آورد. نباید آن را به نوعی فعالیت بخشی تلقی کرد، بلکه باید نوعی هسته چند بخشی یک فرآیند توسعه گسترده تر قلمداد کرد. بنابراین توسعه روستایی صرفاً به معنی معکوس کردن روند توسعه، برنامه ریزی و اجرا از مناطق شهری به روستاها و تخصیص منابع مالی و فنی بیشتر به مناطق روستایی نیست، تحول مطلوب جامعه کشاورزی در بیشتر موارد مستلزم تغییر در بافت قدرت سیاسی و اقتصادی هم در سطح ملی و هم در سطح محلی است (اسکاب، ۱۳۶۵). با توجه به تعاریف و دیدگاه‌های مختلف در مورد مفهوم توسعه و توسعه روستایی می‌توان مهمترین خصوصیات توسعه روستایی مطابق شکل (۲) نشان داد. بنابراین هر الگوی نظری یا عملی که بتواند مجموعه خصوصیات مورد اشاره را در کنار هم تأمین کند یا حداقل دستیابی به تعداد بیشتری از این خصوصیات را مورد نظر داشته باشد، می‌تواند الگوی مناسب تری در رسیدن به اهداف توسعه باشد (میسرا و سوندارام، ۱۳۷۱). از جمله مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. در ایران در سال ۱۳۶۹ در دفتر اقتصاد مسکن وزارت مسکن و شهرسازی جهت اندازه گیری شاخص های برخورداری و نابرابری در شهرهای ایران با انتخاب عوامل ۲۷ گانه چون درصد شاغلان، بیکاری، بار تکفل، نسبت طلاق به ازدواج و غیره، رتبه هر استان در سطح کشور، رتبه هر شهر در استان مربوط و کشور تعیین شده است. علاوه بر این مطالعات و تحقیقات متعددی در زمینه شناسایی مناطق محروم و بررسی برخورداری ها و محرومیت ها برای توسعه منطقه ای و محاسبه درجه توسعه یافتگی در سطوح بین المللی، ملی و استانی انجام شده است. رکن الدین افتخاری و آقاپاری (۱۳۸۶) در مقاله ای با عنوان سطح بندی پایداری توسعه روستایی، مطالعه موردی بخش هیر به این نتیجه رسیده اند در منطقه هیر وضعیت توسعه به نحوی است که اغلب

سکونت گاه ها در طبقه متوسط قرار می گیرند. در خصوص عوامل موثر در توسعه پایدار با تجزیه و تحلیل آماری (تحلیل واریانس) بر روی پنج عامل وضعیت طبیعی، فاصله تا مرکز بخش، جمعیت، اشتغال و باسوادی، مشخص شد که عامل وضعیت طبیعی و جمعیت روستاها بیشترین همبستگی را با پایداری توسعه روستایی دارد. تقوایی و همکاران (۱۳۹۰) در تحلیل فضایی و سنجش توسعه یافتگی دهستان های شهرستان میاندوآب با استفاده از مدل تاپسیس فازی، با استفاده از ۲۳ شاخص از شاخص های توسعه شامل اقتصادی- اجتماعی، آموزشی- فرهنگی، بهداشتی- درمانی و شاخص های خدمات زیربنایی به این نتیجه رسیده اند که در شهرستان میاندوآب، دهستان کاملا برخوردار فقط یک دهستان بوده و بقیه در سطوح پایین تری قرار دارند. همچنین در مقایسه رتبه دهستان ها از نظر شاخص های مورد بررسی، همبستگی درخور و مناسبی مشاهده نمی شود (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰). ضرابی و پریزادی (۱۳۸۹) در مقاله ای سطح بندی سکونتگاه های شهرستان سقز، با بکارگیری ۹ تکنیک سطح بندی شامل توان جمیتی، شاخص توسعه انسانی، تحلیل خوشه ای و ... دهستان های این محدوده را از نظر توسعه یافتگی بررسی نموده اند (ضرابی و پریزادی، ۱۳۹۰). موسوی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله ای با عنوان « تعیین درجه ی توسعه یافتگی کشاورزی شهرستان های استان فارس با استفاده از روش تاکسونومی عددی» با هدف تعیین سطوح توسعه- یافتگی کشاورزی شهرستان های استان فارس با استفاده از روش تاکسونومی عددی به این نتایج رسیده اند که شهرستان های خرمبید، ارسنجان، مهر، و سپیدان نسبت به دیگر شهرستان ها درجه ی توسعه- یافتگی بالاتری دارد و شهرستان های کازرون، لامرد، و قیروکارزین رتبه ی پایین تری دارند. شهرستان فراشبند نیز به علت ناهمگن بودن نسبت به شهرستان های دیگر حذف گردید. در نهایت راهکارهایی برای توسعه ی بخش کشاورزی شهرستان های مختلف داده می شود. آزادی و بیگ محمدی (۱۳۹۱) در تحلیل و طبقه بندی سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان های استان ایلام، با بررسی تعداد ۳۸ متغیر در قالب ۴ نوع شاخص و با استفاده از مدل موریس سعی کرده اند، وضعیت نواحی روستایی شهرستان های استان ایلام را مورد بررسی قرار دهند. همچنین با بهره گیری از ضریب اختلاف به تعیین میزان پراکندگی شاخص ها پرداخته که نتایج به دست آمده نشانگر نامناسب بودن وضعیت شهرستان های استان ایلام از نظر شاخص های مورد مطالعه می باشد.

معرفی محدوده مورد مطالعه

استان کرمانشاه با مساحت ۲۴۶۴۰ کیلومتر مربع، بین عرض جغرافیایی ۳۳ تا ۳۵ درجه شمالی و طول جغرافیایی ۴۵ تا ۴۷ درجه شرقی است، شکل (۳). استان کرمانشاه که ۵/۱ درصد مساحت کشور را دربرمی گیرد، از استان های غربی به شمار می آید که با کشور عراق

۵- مقدار Q_j را برای $j=1, \dots, l$ به طریق زیر محاسبه می‌شود:

$$S_j = \sum_{i=1}^n w_i \cdot \frac{f_i^* - f_{ij}}{f_i^* - f_i^-}; \quad R_j = \max_i \left[w_i \cdot \frac{f_i^* - f_{ij}}{f_i^* - f_i^-} \right]$$

۶- رتبه‌بندی عوامل براساس میزان Q_i

بررسی جایگاه هریک از شهرستان‌ها با روش ویکور

همان‌طور که در بالا نیز اشاره شد برای بررسی جایگاه هریک از شهرستان‌ها از روش ویکور استفاده شده است. بعد از انجام مراحل شش‌گانه این روش که در بالا به آن اشاره شده است، نتایج حاصل به صورت جدول شماره (۳) و شکل (۵) به دست آمده است. نتایج حاصل از مدل ویکور براساس جدول شماره (۳) حاکی از آن است که اسلام آباد غرب با امتیاز (۰) توانسته است در بین شهرستانهای مورد مطالعه در سطح استان رتبه نخست را کسب کند و جایگاه اول را به خود اختصاص دهد. دومین شهری که توانسته است در جایگاه بهتری قرار بگیرد شهرستان گیلانغرب با کسب امتیاز (۰,۴۷۲۰۸۱) می باشد که بعد از شهرستان کرمانشاه قرار گرفته است. در نهایت اینکه شهرستان سنقر و کلیایی با کسب امتیاز (۰,۵۵۵۶۸۹) در جایگاه سوم در بین ۱۴ شهرستان قرار دارد و در وضعیت مناسبتری قرار دارد. همچنین سایر شهرستانها در رتبه های بعدی قرار دارند و از جمله این شهرستانها می توان به: پاره، ثلاث باباجایی، هرسین، دالاهو و کرمانشاه اشاره کرد که در وضعیت نامناسب تری قرار دارند و در اولویت های اخر از لحاظ شاخص های مورد قرار دارند. در نهایت اینکه هر کدام از این شهرستانها در سه خوشه برخوردار، نیمه برخوردار و محروم در محیط جی ای اس (GIS) قرار داده شد. بر این اساس شهرستان اسلام آباد در یک خوشه و در وضعیت برخوردار قرار دارد و شهرستانهای مانند سنقر، کنگاور، گیلانغرب و قصرشیرین در وضعیت نیمه برخوردار قرار دارند و در نهایت اینکه شهرستانهای مانند پاره، روانسر، ثلاث باباجانی، صحنه، هرسین، کرمانشاه، دالاهو که در وضعیت محروم واقع شده اند که در وضعیت نا مساعد تری نسبت به سایر شهرستان ها قرار دارند (نقشه شماره ۶)

بررسی جایگاه هریک از شهرستان‌ها با اساس روش موریس

مدل موریس:

مرحله اول: تنظیم ماتریس مقادیر شاخص‌ها به همراه نواحی مورد مطالعه

مرز مشترک دارند. این استان از شمال به استان کردستان، از جنوب به استان لرستان و ایلام، از شرق به استان همدان و از غرب به کشور عراق محدود می‌شود. مرکز استان کرمانشاه، شهر کرمانشاه است. بر اساس آخرین تغییرات در ۱۳۸۸ استان کرمانشاه از ۱۴ شهرستان، ۲۹ شهر، ۳۰ بخش و ۸۵ دهستان تشکیل شده است، جدول (۱) و شکل (۴).

مواد و روش ها

ماهیت تحقیق حاضر توصیفی- تحلیلی است. شیوه جمع آوری اطلاعات بر اساس اطلاعات موجود در سالنامه سال ۱۳۹۰ آماری بوده است. در این تحقیق به منظور تحلیل سطوح پایداری توسعه روستایی در استان کرمانشاه ۲۰ متغیر در قالب سه شاخص اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، کالبدی (جدول ۲)، استفاده گردید. در همین راستا جهت ارزیابی سطوح توسعه در این استان از تکنیک ویکور و موریس استفاده شده است.

بحث و نتایج

یافته های حاصل از مدل ویکور

روش ویکور در سال ۱۹۹۸ توسط سی اوپریکویک ارائه شد. مبنای این روش برگرفته از برنامه‌ریزی سازشی است. و به عنوان یک روش تصمیم‌گیری چندمعیاره برای حل یک مسئله تصمیم‌گیری گسسته با معیارهای نامتناسب (واحدهای اندازه‌گیری مختلف) و متعارض توسعه داده شده است (Opricovic & Tzeng 2004). این متد بر رتبه‌بندی و انتخاب از یک دسته آلترناتیوها، و تعیین راه‌حل‌های سازگار برای مسئله با معیارهای متعارض متمرکز شده است که می‌تواند به تصمیم‌گیرندگان برای رسیدن به تصمیم نهایی کمک کند. راه‌حل سازگار یک‌راه‌حل‌شدنی است که نزدیک‌ترین راه‌حل به ایدئال است و منظور از سازگاری نیز جوابی است که بر اساس توافق متقابل حاصل می‌شود.

الگوریتم روش ویکور

۱- تشکیل ماتریس داده‌ها بر اساس آلترناتیو و شاخص

۲- محاسبه وزن شاخص‌ها را بر اساس آنترویی و یا روش AHP

۳- تعیین بالاترین ارزش f_i^* و پایین‌ترین ارزش f_i^- - توابع معیار در صورتی که $i=1, \dots, n$ باشد.

۴- محاسبه ارزش S_j و R_j برای $j=1, \dots, n$ که به صورت زیر تعریف می‌شوند:

$$f_i^* = \max_j f_{ij}; \quad f_i^- = \min_j f_{ij}$$

⁴ Feasible Solution

⁵ Mutual Concession

¹ S. Opricovic

² Compromising Programming

³ Compromise solution

سطح بندی شهرستانهای استان کرمانشاه بر اساس نتایج حاصل از مدل ویکور و موریس

بر اساس نتایج تکنیک ویکور در شاخص‌های مورد بررسی می‌توان سطح توسعه یافتگی شهرستان‌ها را مشخص کرد: جدول (۶). بررسی ضریب توسعه یافتگی و رتبه‌ها در شاخص‌های مورد بررسی در استان کرمانشاه نشان از متفاوت بودن سطح توسعه یافتگی شهرستان‌ها دارد، که این مسئله بیانگر توسعه نامتعادل شهرستان‌ها می‌باشد. نکته‌ای که در این تحلیل به چشم می‌خورد این است که شهرستان اسلام‌آباد با ضریب امتیاز ۷,۱۴ در رده اول و شهرستانهای سنقر، کنگاور، قصر شیرین و گیلانغرب با اختصاص ضریب توسعه یافتگی ۲۸,۶ درصد، توانسته است برتری نسبی خود را بر دیگر شهرستان‌های استان حفظ نماید. از سوی دیگر بررسی ضریب توسعه یافتگی شاخص‌های مورد مطالعه بر اساس مدل موریس نشان دهنده این است که شهرستانهای اسلام‌آباد، کرمانشاه، صحنه، کنگاور با امتیاز ۲۸,۶ درصد در وضعیت برخوردار و شهرستانهای مانند سرپل ذهاب، پاوه، سنقر و هرسین در وضعیت نیمه برخوردار و سایر شهرستانها نیز با اختلاف ضریب توسعه یافتگی ۴۲,۸ درصد در وضعیت نامناسب و محروم قرار دارد. بنابراین نتایج حاصل از این دو مدل منعکس کننده این مطلب است که اختلاف زیادی از لحاظ توسعه یافتگی باهم دارند و دلایل اختلاف بین استان‌ها در این زمینه به وجود امکانات و خدمات بهداشتی، درمانی و آموزشی بیشتر و با کیفیت بهتر و از طرفی وجود شرایط کافی اشتغال و درآمد بالا در استان‌های برخوردار و عدم وجود و یا ضعف این امکانات و خدمات در شهرستان‌های محروم می‌باشد. که این مسئله از نکات بسیار مهمی است که در برنامه‌ریزی برای توسعه مناطق برای دست-یابی مناطق به این امکانات و جلوگیری از مهاجرت آن‌ها به مناطق برخوردار بایستی مورد توجه قرار گیرد.

مرحله دوم: استاندارد کردن اعداد با استفاده از فرمول ضریب ناموزون موریس

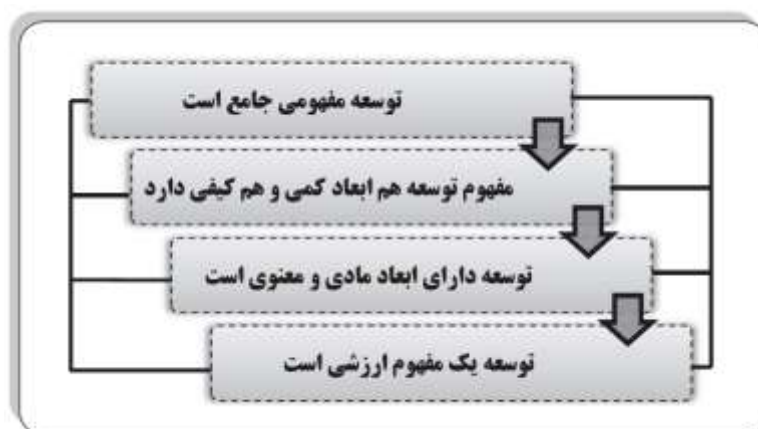
$$y_{ij} = \frac{x_{ij} - y_{jmin}}{y_{imax} - x_{jmin}} \times 100$$

مرحله سوم: رتبه بندی اعداد بدست آمده از مدل موریس به طوری که به بزرگترین عدد به دست آمده رتبه یک (رتبه یک نشان دهنده نواحی است که از سرانه بیشتری برخوردار است) تعلق می‌گیرد و الی آخر مرحله چهارم: محاسبه ضریب نهایی توسعه

مرحله پنجم: درجه بندی و رتبه بندی شهرستانها بر اساس ضریب نهایی توسعه. یعنی هر قدر D.I بزرگتر رشد ناحیه توسعه یافته تر و دارای امکانات بیشتری است.

نتایج حاصل از موریس

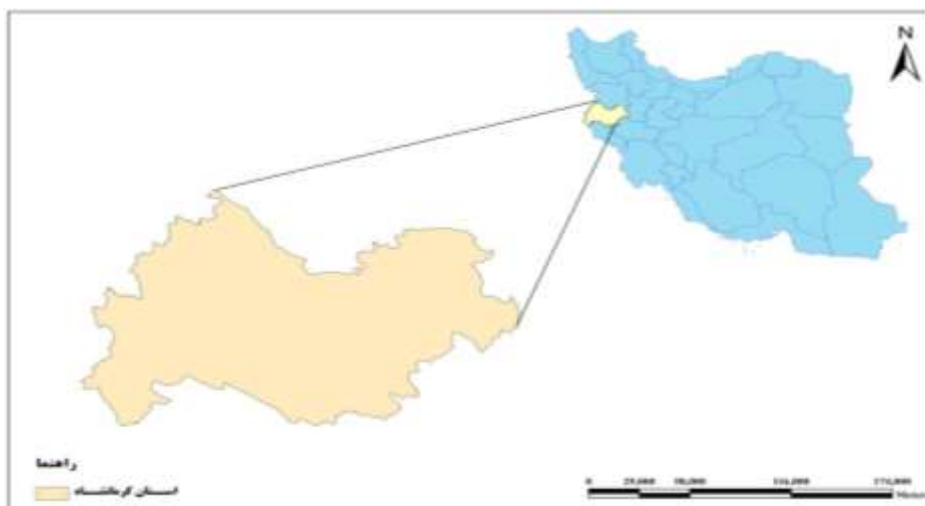
نتایج حاصل از مدل موریس براساس جدول شماره (۵) و شکل (۷) حاکی از آن است که شهرستانهای کرمانشاه، صحنه و کنگاور به ترتیب امتیاز ۵۹,۷۰، ۵۹,۰۸ و ۵۷,۶۳ توانسته اند رتبه های نخست را در بین ۱۴ شهرستان مورد مطالعه را به خود اختصاص دهند و در وضعیت مناسبتری قرار بگیرند. در مقابل شهرستانهای ثلاث باباجانی، روانسر، دالاهو و جوانرود از نظر سطح توسعه یافتگی در آخرین رتبه براساس روش موریس قرار گرفته اند. در این راستا هر یک از شهرستانها را بر اساس روش ذکر شده به سه سطح برخوردار، نیمه برخوردار و محروم طبقه بندی و جایگاه هر یک از آنها در شکل شماره (۸) معلوم شد. بر این اساس شهرستان‌های کرمانشاه، اسلام آباد، صحنه و کنگاور در وضعیت برخوردار و مناسبتری قرار دارند و شهرستانهای سنقر، هرسین، سرپل ذهاب و پاوه در وضعیت نیمه مساعد و در نهایت این که سایر شهرستان‌ها که قریب به ۶ شهرستان می‌باشد در وضعیت محروم به سر می‌برند.



شکل شماره ۱: مفاهیم اصلی توسعه



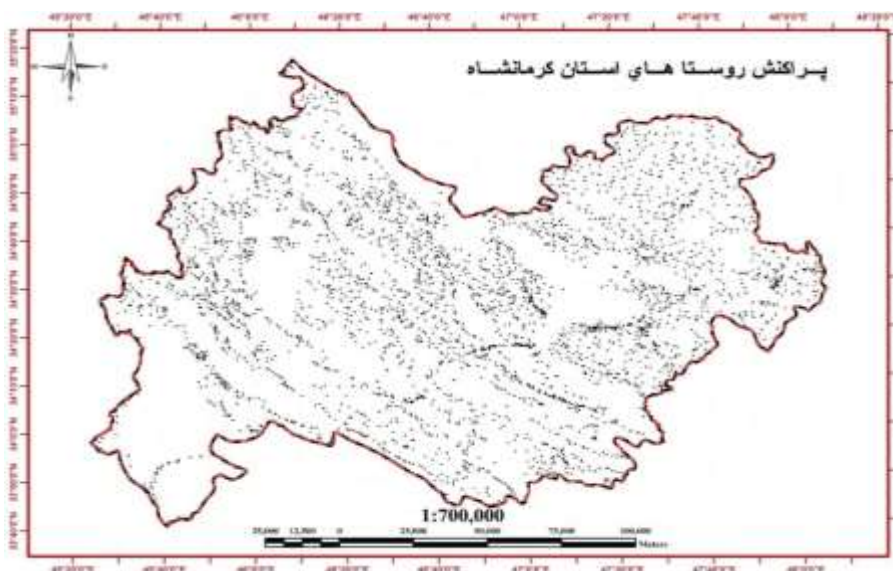
شکل شماره ۲: خصوصیات و ویژگی های اصلی توسعه روستایی



شکل شماره ۳: نقشه موقعیت مکانی استان کرمانشاه

جدول شماره ۱: اسامی شهرستان‌های استان کرمانشاه و تعداد مناطق روستایی هر یک از شهرستان‌ها (مأخذ: فرهنگ آبادیهای استان کرمانشاه، ۱۳۹۰)

| شهرستان | تعداد کل روستاها | تعداد روستاهای بالای بیست خانوار |
|----------------|------------------|----------------------------------|
| اسلام آباد غرب | ۱۷۲ | ۱۲۶ |
| پاوه | ۶۹ | ۳۹ |
| ثلاث باباجانی | ۲۰۴ | ۹۴ |
| چوانرود | ۱۰۲ | ۵۸ |
| دالاهو | ۱۵۱ | ۹۵ |
| روانسر | ۱۴۱ | ۹۲ |
| سرپل ذهاب | ۱۷۷ | ۱۲۸ |
| سنقر و کلیایی | ۲۱۴ | ۱۷۱ |
| صحنه | ۱۸۹ | ۱۵۲ |
| قصرشیرین | ۷۱ | ۱۷ |
| کرمانشاه | ۷۶۰ | ۴۵۷ |
| کنگاور | ۹۰ | ۹۰ |
| گیلانغرب | ۱۹۵ | ۱۹۵ |
| هرسین | ۱۳۱ | ۱۳۱ |



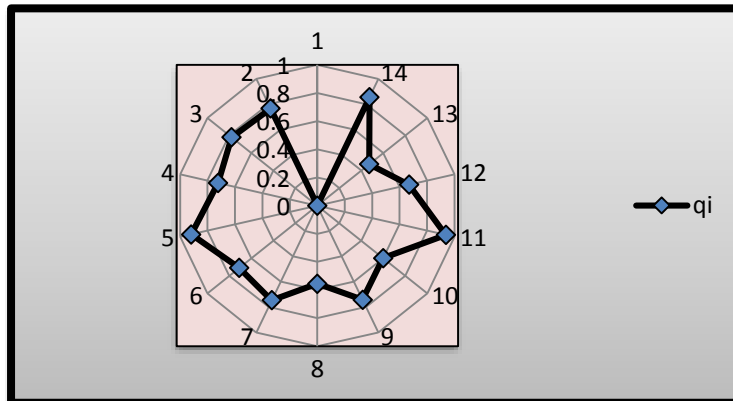
شکل شماره ۴: نقشه پراکندگی روستاهای استان کرمانشاه

جدول شماره ۲: شاخص‌ها و متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و کالبدی - نهادی (مأخذ: فرهنگ آبادیهای استان کرمانشاه، ۱۳۹۰)

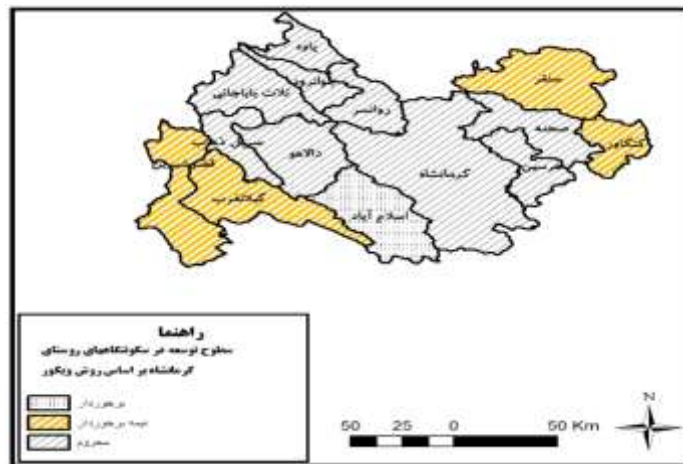
| شاخص | کالبدی - نهادی | اجتماعی | اقتصادی |
|-------|---|---|--------------------------|
| متغیر | - درصد برخورداری از آب آشامیدنی | - معکوس تراکم دانش آموز در | - سطح زیر کشت محصولات |
| | - تعداد روستاهای دارای لوله کشی گاز طبیعی | کلاس کالبدی مقطع دبستان | دایمی به کل اراضی زراعی |
| | - نسبت برخورداری از مراکز بهداشتی درمانی روستایی | - معکوس تراکم دانش آموز در | - سطح زیر کشت محصولات |
| | - درصد بهره‌مندی از روشنایی برق به کل روستاها | کلاس کالبدی مقطع راهنمایی | سالانه به کل اراضی زراعی |
| | - نسبت مراکز بهداشتی، درمانی (خانه بهداشت) به کل روستاها | - معکوس تراکم دانش آموز در | |
| | - نسبت طول راه‌های روستایی آسفالت به کل طول راه‌های روستایی | کلاس کالبدی مقطع دبیرستان | |
| | - سرانه برخورداری از فضاهای ورزشی | - تعداد رایانه به ازای هر یک هزار دانش آموز | |
| | - تعداد روستاهای دارای طرح هادی | - تعداد جمعیت تحت پوشش بیمه روستایی به کل جمعیت مناطق روستایی | |
| | - تعداد روستاهای دارای طرح هادی اجرا شده | | |
| | - میزان ضریب پوشش تلفن همراه | | |
| | - نسبت روستاهای دارای شبکه جمع آوری فاضلاب | | |

جدول شماره ۳: رتبه‌بندی شهرستان‌های استان کرمانشاه بر اساس مقادیر Q, R, S (یافته‌های پژوهش)

| رتبه | qi | ri | si | شهرستان |
|------|----------|----------|----------|----------------|
| ۱ | ۰ | ۰,۱۰۲۵۰۵ | ۰,۲۶۸۱۵۴ | اسلام آباد غرب |
| ۱۰ | ۰,۷۶۶۱۴ | ۰,۱۶۰۰۱ | ۰,۶۷۸۰۰۷ | پاوه |
| ۱۱ | ۰,۷۷۹۰۰۵ | ۰,۱۹۳۰۰۷ | ۰,۵۲۳۱۵۳ | ثلاث باباجانی |
| ۷ | ۰,۷۲۳۵۸ | ۰,۱۵۰۲۶۹ | ۰,۶۸۸۳ | چوانرود |
| ۱۳ | ۰,۹۱۸۹۱۲ | ۰,۱۹۰۸۸۱ | ۰,۶۶۱۷۵۶ | دالاهو |
| ۶ | ۰,۷۰۹۹۷ | ۰,۱۴۶۳۳ | ۰,۶۹۵۷۴۷ | روانسر |
| ۹ | ۰,۷۴۶۱۶۶ | ۰,۱۴۷۰۶۲ | ۰,۷۲۵۱۳۴ | سرپل ذهاب |
| ۳ | ۰,۵۵۵۶۸۹ | ۰,۱۴۲۴۵۷ | ۰,۵۷۴۲۹۷ | سنقر و کلیایی |
| ۸ | ۰,۷۴۲۸۹۵ | ۰,۱۷۹۲۶۴ | ۰,۵۵۹۵۴۱ | صحنه |
| ۴ | ۰,۵۹۸۳۱۹ | ۰,۱۴۹۹۰۸ | ۰,۵۷۵۶۳۶ | قصرشیرین |
| ۱۴ | ۰,۹۳۷۴۱۷ | ۰,۱۸۴۹۲ | ۰,۷۰۸۷۷ | کرمانشاه |
| ۵ | ۰,۶۶۹۲۲۵ | ۰,۱۴۵۶۷۱ | ۰,۶۶۱۸۳۷ | کنگاور |
| ۲ | ۰,۴۷۲۰۸۱ | ۰,۱۲۹۵۰۳ | ۰,۵۶۳۲۹۶ | گیلانغرب |
| ۱۲ | ۰,۸۵۴۱۸۲ | ۰,۱۷۰۷۷۵ | ۰,۷۰۴۱۲ | هرسین |



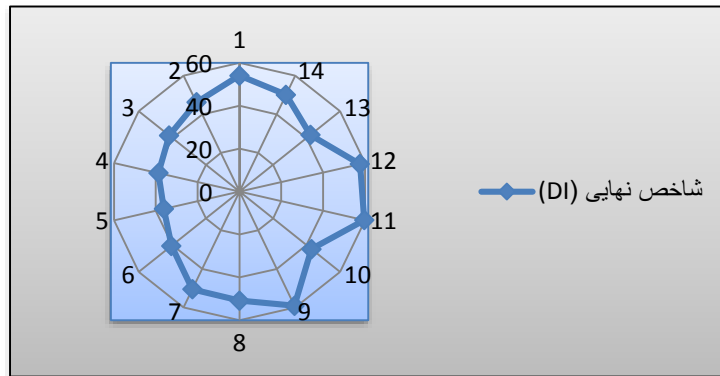
شکل شماره ۵: سنجش سطوح توسعه روستایی استان کرمانشاه و رتبه هر شهرستان بر اساس روش ویکور؛ یافته های پژوهش



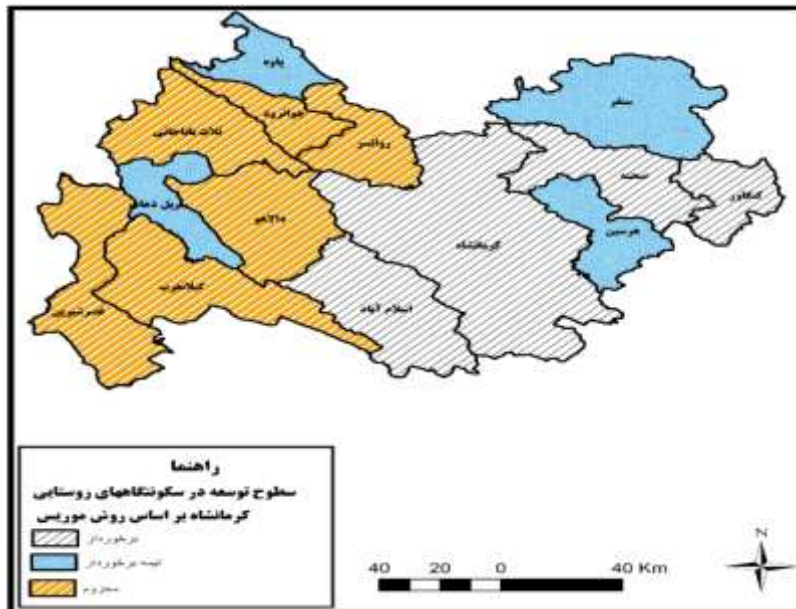
شکل شماره ۶: نقشه بندی سکونتگاههای روستایی استان کرمانشاه بر اساس ویکور: مأخذ: یافته های پژوهش

جدول شماره ۵: سنجش سطوح توسعه روستایی استان کرمانشاه بر اساس روش موریس (یافته های پژوهش)

| رتبه | (DI) | شهرستان |
|------|-------|----------------|
| ۴ | ۵۴,۰۴ | اسلام آباد غرب |
| ۸ | ۴۶,۱۸ | پاوه |
| ۱۱ | ۴۱,۹۳ | ثلاث باباجانی |
| ۱۴ | ۳۸,۷۰ | چوانرود |
| ۱۳ | ۳۶,۱۵ | دالاهو |
| ۱۲ | ۴۰,۶۰ | روانسر |
| ۶ | ۵۰,۵۷ | سرپل ذهاب |
| ۵ | ۵۰,۸۳ | سنقر و کلیایی |
| ۲ | ۵۹,۰۸ | صحنه |
| ۹ | ۴۲,۹۷ | قصرشیرین |
| ۱ | ۵۹,۷۰ | کرمانشاه |
| ۳ | ۵۷,۶۳ | کنگاور |
| ۱۰ | ۴۲,۳۹ | گیلانغرب |
| ۷ | ۵۰,۱۰ | هرسین |



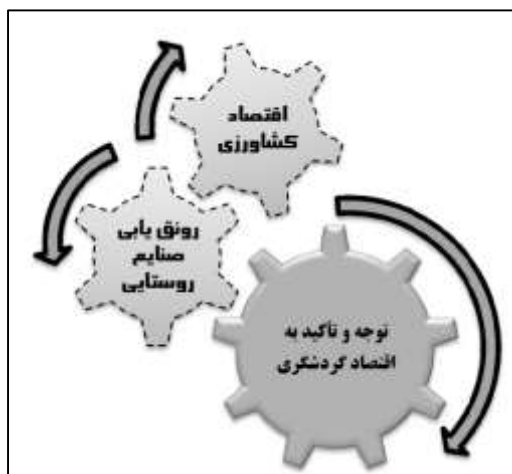
شکل شماره ۷: سنجش سطوح توسعه روستایی استان کرمانشاه و رتبه هر شهرستان بر اساس روش موریس، یافته های پژوهش



شکل شماره ۸: نقشه سطح بندی سکونتگاههای روستایی استان کرمانشاه بر اساس ویکور؛ یافته های پژوهش

جدول شماره ۶: سطح بندی شهرستان های استان کرمانشاه بر اساس نتایج تکنیک تاپسیس و موریس (مأخذ: یافته های پژوهش: ۱۳۹۳)

| ردیف | وضعیت توسعه | شهرستان | تعداد | درصد |
|-------|-------------|---------------|-------|------|
| ویکور | ۱ | برخوردار | ۱ | ۷,۱۴ |
| | ۲ | نیمه برخوردار | ۴ | ۲۸/۶ |
| | ۳ | محروم | ۱۰ | ۶۴,۳ |
| موریس | ۱ | برخوردار | ۴ | ۲۸,۶ |
| | ۲ | نیمه برخوردار | ۴ | ۲۸,۶ |
| | ۳ | محروم | ۶ | ۴۲,۸ |



شکل شماره ۹: عوامل اصلی موثر در توسعه روستاهای استان

نتیجه‌گیری

یکی از ارکان توسعه، جامعیت و یکپارچه بودن آن در رفع عدم تعادل- های اقتصادی و اجتماعی مناطق است. وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی است که برای رفع چنین کمبودهایی نیاز به نگرش در نحوه پراکندگی شاخص‌های توسعه در سطوح مختلف می‌باشد. به منظور حل مسایل ناشی از عدم تعادل‌های منطقه‌ای، گام نخست شناخت و سطح بندی مناطق از نظر برخورداری در زمینه‌های مختلف است. برای شناخت تفاوت سطح توسعه نواحی لازم است، ابتدا وضعیت موجود هر ناحیه بررسی شود تا بتوان در مرحله بعدی علل تفاوت‌ها را باز شناخت و در جهت کاهش یا از میان بردن آن‌ها اقدام به برنامه ریزی کرد. مجموعه شاخص‌های توسعه را می‌توان با توجه به جنبه‌های مختلف آن به دسته‌های چندی تقسیم کرد از جمله شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، زیربنایی و ... ولی آنچه اهمیت دارد این است که این شاخص‌ها بتوانند سطح زندگی مادی و معنوی جمعیت یک ناحیه را به خوبی نشان دهند و در صورت لزوم تفاوت‌ها را مشخص کند. از آنجایی که یکی از جوانب و اهداف مهم برنامه‌ریزی توسعه، کمک به مناطق کمتر توسعه یافته و اقشار فقیرتر جامعه و توزیع عادلانه امکانات و درآمدها با توجه به مزیت‌های نسبی مناطق و عقب ماندگی‌های آن‌ها است، ضرورت دارد که به ارزیابی و اندازه‌گیری میزان برخورداری و سطح توسعه یافتگی و قوت‌ها و ضعف‌های مناطق مختلف و بررسی شرایط بهبود یا عدم بهبود آن‌ها پرداخته شود. در این راستا در پژوهش حاضر بر اساس روش‌های تحلیل تصمیم‌گیری چند معیاره سعی بر آن شده است تا با استفاده از شاخص‌های اصلی توسعه، به ارزیابی و رتبه‌بندی سطوح توسعه در سکونتگاه‌های روستایی استان کرمانشاه بپردازد، نتایج پژوهش بر اساس مدل ویکور نشان می‌دهد که شهرستان اسلام آباد در رتبه نخست توسعه یافتگی قرار دارد و شهرستان‌های گیلانغرب سنقر و

کلیایی به ترتیب امتیاز (۰,۴۷۲) و (۰,۵۵۵) رتبه دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند. و در نهایت اینکه شهرستان‌های مانند پاوه، روانسر، ثلاث باباجانی، صحنه، هرسین، کرمانشاه، دالاهو که در وضعیت محروم واقع شده‌اند که در وضعیت نامساعدتری نسبت به سایر شهرستانها قرار دارند و ۶۴,۳ درصد از آن نقاط روستایی بر اساس این مدل جزء شهرستانهای محروم شناخته شده‌اند. در همین راستا نتایج حاصل از مدل موریس بیانگر این مطلب است که بیشتر شهرستانها در وضعیت نیمه برخوردار و محروم واقع شده‌اند که بیشتر آنها در وضعیت محروم می‌باشند و تعداد درصد آنها بالغ بر ۴۲,۸ درصد می‌باشد که در سطح بالایی می‌باشد و این نشان دهند عدم تعادل در سطوح توسعه یافتگی روستایی در استان کرمانشاه می‌باشد. بنابراین بایستی در برنامه ریزی‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی کشور برای دستیابی به عدالت فضایی در توسعه امکانات و خدمات و بالا بردن سطوح توسعه در این استان تمهیداتی را در نظر گرفت. تا از این طریق، بتوان ضمن تحلیل جایگاه شهرستان‌ها، با بکارگیری و استفاده از نیروها و توانمندی‌های موجود در مناطق، به سطح توسعه‌ای معتدل و همه جانبه دست یافت که رفاه و توسعه یافتگی مناطق و سعادت همه افراد را پدید آورد. بنابراین با در نظر گرفتن جمیع شرایط فوق الذکر، جهت‌گیری توسعه آتی روستاهای استان (با توجه به فرآیندهای اقتصادی موجود) به شکل (۹) پیشنهاد می‌شود.

منابع و ماخذ

اسکاپ، ۱۳۶۵، برنامه ریزی در سطح محلی و توسعه روستایی، راهبردهای جایگزین، ترجمه عباس مخبر، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
افراخته، حسن، احمدی، عاطفه ۱۳۹۲، ارزیابی و اولویت بندی عوامل موثر بر توسعه گردشگری شهری با استفاده از روش TOPSIS (موردی: مشگین

کلاتری، خلیل، ابروانی، هوشنگ، نژادشجاع، محمد ۱۳۸۲، سنجش سطح توسعه روستایی در شهرستان تربت حیدریه ۷۹-۱۳۶۵، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۴. ۴۱-۵۴.

لی، دیوید، ای. ام. و پی. چودری ۱۳۷۰، «ماهیت، مسائل و رهیافتهای توسعه روستایی»، فصلنامه روستا و توسعه، ش ۳، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد سازندگی.

مرکز آمار ایران، نتایج عمومی سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۰.

ملکی، سعید ۱۳۹۰، سنجش توسعه‌ی پایدار در نواحی شهری با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی (نمونه موردی: شهر ایلام)، جغرافیا و توسعه شماره ۲۱، ۱۳۶-۱۱۷.

موسوی، میرنجم و علی باقری کشکولی ۱۳۹۱، سطح بندی و مکان‌گزینی فعالیت‌های اقتصادی جهت ارائه راهبرد توسعه روستایی بر اساس مدل تحلیل شبکه (مطالعه موردی: شهرستان بهاباد)، فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال دهم شماره ۳۲، بهار ۱۳۹۱، ۲۳۸-۲۱۷.

میسرا، آر. پی. و وی، سوندارام. ۱۳۷۱، «گزینه‌های توسعه روستایی»، ترجمه علی اکبر، سلسله انتشارات روستا و توسعه، ش ۷، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، تهران: وزارت جهاد سازندگی

همتی، محمد، آسیان، سبحان ۱۳۸۷، ارائه یک رویکرد نوین از کارت امتیازی متوازن با استفاده از تاپسیس فازی، مجله مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سال سوم، شماره ۵، ۸۸-۶۹.

یدقار، علی ۱۳۸۳، روند تحول و چالش‌های عمران و توسعه روستایی در ایران، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۸. ۷۱-۹۰.

یعقوبی، نورمحمد ۱۳۸۹ بررسی وضعیت بسترهای توسعه روستایی مبتنی بر فناوری اطلاعات در سیستان و بلوچستان، مجله دانش و توسعه، سال هجدهم، شماره ۳۱. ۱۹۴-۲۱۷.

Singh, Katar (1986), Rural Development. London: Heinemann.
World Bank, 1975, Rural Development, Sector Policy Paper,
Washington, DC: world Bank.
[Http://www.iclei.org](http://www.iclei.org)

شهر)، اولین همایش گردشگری و توسعه سرمایه‌گذاری مشگین شهر، مشگین شهر.

آزادی، یونس، بیک محمدی، حسن ۱۳۹۱، تحلیل و طبقه‌بندی سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان‌های استان ایلام، مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال دوم، شماره ۲، ۶۲-۴۱.

پاپلی یزدی، محمد حسین، ابراهیمی، محمد امیر ۱۳۸۷، نظریه‌های توسعه روستایی، ویرایش اول چاپ هفتم، انتشارات سمت.

تقوایی، مسعود، احمدیان، مسعود، علی زاده، جابر ۱۳۹۰، تحلیل فضایی و سنجش توسعه یافتگی دهستان‌های شهرستان میاندوآب با استفاده از مدل تاپسیس فازی، مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال اول، شماره ۳، ۱۳۱-۱۵۴.

تودارو، مایکل ۱۳۶۸، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، چاپ چهارم، تهران: سازمان برنامه و بودجه.

رزاقی، ابراهیم ۱۳۶۹، الگویی برای بازسازی توسعه اقتصادی ایران، چ ۱، تهران: نشر توسعه.

رضوانی، محمدرضا، احمدی، علی ۱۳۸۸، شوراها اسلامی روستایی، مشارکت مردمی و توسعه روستایی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۴، ۳۵-۴۹.

رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، آقایاری هیر، محسن ۱۳۸۶، سطح بندی پایداری توسعه روستایی، مطالعه موردی بخش هیر، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۱، ۳۱-۴۴.

ضرابی اصغر و طاهر پریزادی ۱۳۸۹، برنامه‌ریزی مسکن روستایی کشور؛ در قالب طرح جامع مسکن استان، کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی، مسکن و بافت، بنیاد مسکن استان تهران.

کرمانی، مهدی، بهروان، حسین، ازکیا، مصطفی ۱۳۸۸، بررسی تغییرات اقتصادی و اجتماعی در شیوه زندگی روستاییان به واسطه استقرار صنعت در مناطق روستایی نمونه مورد مطالعه: مجتمع صنعتی معدنی مس قلعه زری، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، سال پنجم، پاییز و زمستان، ۲۱۴-۱۷۹.

کلاتری، خلیل ۱۳۸۷، برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)، تهران، انتشارات خوشبین.

Stability analysis of rural development in the province of Kermanshah

Abstract

In regional planning, study and understanding of the various geographical levels, capacity constraints and is of special importance. The areas to be aware of the strengths and weaknesses of proposed plans, programs and policies is essential. In this context, the index of economic, social, cultural, physical, health, etc. can be a criterion for determining the position of regions in terms of development. In this context, the present study is based on cross – sectional And utilizes techniques to evaluate and analyze vikor Morris and stable levels in rural settlements with emphasis on the development of indicators of socio-economic, physical - has been institutionalized. Area studied is a rural city of Kermanshah. vikor model results show that based on various criteria, rank and level of development varies from city-of Kermanshah, As the city of Islamabad and other cities in the top half and have denied that 92.9% of the total. On the other hand, based on Maurice city of Islamabad, Kermanshah, and Kangavar sahneh in the first place and the city are located in the following categories And so in both the city and the most difficult conditions they are living in a disadvantaged position This suggests that some heterogeneity and inconsistency in the level of development of these cities.

Keywords: development, sustainable development, rural settlements, Kermanshah